

جهاد و دفاع از دیدگاه میرزای قمی و مقایسه‌ی آن با آرای فقهی امام خمینی

مرتضی دهقان‌نژاد ^۱	تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۵/۱۲
فریدون اللهیاری ^۲	تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۶/۱۰
سید حسن قریشی کرین ^۳	صفحات مقاله: ۱۵۵-۱۸۵

چکیده

جهاد یکی از بزرگ‌ترین فرایض دینی است که هنگام تجاوز بیگانه، برنده‌ترین سلاح علیه متجاوز به حساب می‌آید. با تأسیس سلسله‌ی قاجار، روسیه بر اساس سیاست توسعه‌طلبی خود، با تکیه بر وصیت‌نامه‌ی جعلی منسوب به پطر کبیر، جهت دست‌یابی به آب‌های گرم و آزاد دریای عمان و خلیج فارس حملات گسترده‌ای را به ایران آغاز کرد و بخشی از زرخیزترین اراضی را از ایران جدا نمود. علمای عصر از جمله میرزای قمی بنا به وظیفه‌ی دینی خود و درخواست حاکمیت وقت علیه روس‌ها اعلان جهاد داده و دفاع را بر همه واجب دانستند و کشته‌شدگان جنگ را شهید به حساب آوردند. در این مقاله، ضمن بررسی چگونگی جنگ ایران و روسیه و شرایط سیاسی - اجتماعی عصر میرزای قمی و نقش او در بسیج مردم، به فتاوی‌ی جهادی او را در رابطه با ضرورت دفاع، کشته‌شدگان جنگ، غنائیم، فرار در میدان نبرد، همکاری با دشمن و بغاوت پرداخته شده و با فتاوی‌ی جهادی امام خمینی مورد مقایسه قرار گرفته است.

۱ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۳ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی دانشگاه اصفهان.

کلید واژگان

قاجار، جهاد، جنگ ایران و روس، میرزای قمی، امام خمینی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین حوادث دوره‌ی قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه‌ی مردم و دولت مردان قاجار گذاشت، جنگ‌های ایران و روس می‌باشد که در پی این حادثه سرزمین‌های زرخیزی از ایران جدا شد و شرایطی ظالمانه بر ایران تحمیل گردید و زمینه را برای سیطره‌ی بیگانگان بر ایران هموار ساخت. جنگ‌های ایران و روس که در دو دوره به مدت ۱۳ سال طول کشید، در شرایطی آغاز شد که سه دولت استعماری - فرانسه، انگلیس و روسیه - در حال رقابت با هم بودند و برای ضربه زدن به همدیگر گاهی دو رقیب با هم متحد می‌شدند و با رقیب دیگر به ستیز می‌پرداختند و ایران در این میان به علت نداشتن سیاست ثابت و مقتدر، بازیچه‌ی این سه استعمارگر قرا گرفت و صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل شد.

فتحعلی‌شاه و ولیعهدش عباس میرزا وقتی وعده‌های پوچ فرانسه و انگلیس را دیدند، برای مقابله با روس‌ها به فکر اعلان جهاد علما افتادند و علمای عصر از جمله میرزای قمی فتوای جهاد علیه روس‌ها را صادر کردند. ولی در دوره‌ی اول عملاً این فتاوا نتوانست در بسیج مردم نقش اساسی داشته باشد. ولی در دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روس علما علاوه بر دادن فتوای جهاد، عملاً در جبهه‌ها حضور یافتند و پیروزی‌های چشم‌گیری را کسب نمودند، ولی اختلافات سیاسی و خانوادگی، عدم حمایت مالی از سپاه، خیانت برخی از سران کشوری و لشکری و عدم انسجام نیروهای جهادی زحمات آنها را بی‌نتیجه گذاشت.

برای بررسی آثار و اندیشه‌های علمای جهادی از جمله میرزای قمی پیش از هر چیز به شرایط اجتماعی، سیاسی، زمانی و مکانی آنها وقوف پیدا کرد و ابعاد فتوای جهادی او را مورد بررسی قرار داد و به این سؤال که علما در برابر

حملات روس چه عکس‌العملی داشتند و مهم‌ترین فتاوی آنها در این نبرد چه بود، پاسخ داده شود. به این منظور باید به بحث و بررسی چند مقوله پرداخت.

۱ - جهاد و انواع آن در فقه شیعه با توجه به نظرات فقهی میرزای قمی،

۲ - ضرورت دفاع از کشور و سرنوشت کشته‌شدگان نبرد با دشمن،

۳ - احکام مربوط به اسرا، غنایم، فراریان جنگ، توطئه‌گران داخلی و تأمین هزینه‌ی جنگ،

۴ - نظرات امام خمینی با توجه به حمله‌ی عراق به ایران و دفاع هشت‌ساله‌ی ایران در مقایسه با نظرات میرزای قمی.

در مقاله‌ی حاضر، با استفاده از روش پژوهش تاریخی با محور قرار دادن منابع دست اول به‌ویژه تألیفات میرزای قمی به بررسی دیدگاه جهادی او پرداخته و به سؤالات و مسائل مورد بحث پاسخ داده شود.

میرزای قمی و شرایط عصر او

الف) زندگی و حیات علمی

میرزا ابوالقاسم بن حسن (محمدحسن) معروف به میرزای قمی در سال ۱۱۵۱ هـ ق در جاپلق^۱ لرستان به دنیا آمد. اصالتاً اهل شفت^۲ گیلان ولی بزرگ شده‌ی جاپلق است و به‌خاطر سکونتش در قم در میان توده‌ی مردم به میرزای قمی معروف شده است.

پدر میرزا، آخوند ملاحسن از اهالی شفت گیلان بود که به اصفهان سفر کرد و از ناحیه‌ی شاه سلطان حسین برای اجرای امر قضاوت و ترویج امور شرعی به

۱ - جاپلق، بخش و ناحیه‌ای قدیمی در شمال شرقی استان لرستان و در نیمه‌ی شرقی شهرستان ازنا قرار دارد و در دوره‌ی قاجار یکی از سه بلوک بزرگ بروجرد بود (دانشنامه جهان اسلام، ج ۹)، و در ۷۰ کیلومتری بروجرد قرار دارد.

۲ - شفت نام یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فومن است که در جنوب شرقی آن واقع شده و در ۹ کیلومتری آنجا قرار دارد.

جایلق اعزام شد (فیض، ۱۳۴۹، ص ۳۱۳/۱) و با دختر استادش میرزا هدایت‌الله که در علم و فضیلت شهره بود ازدواج کرد که میرزا اولین حاصل این ازدواج می‌باشد. (الامین: ۲/ ۴۱۱، مدرس: ۶/ ۶۸)

تولد میرزا در سال ۱۱۵۱ مصادف با پادشاهی نادر و فتح هند بود، دوران حیات او مصادف است با حکومت نادرشاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ هـ)، عادل‌شاه (۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ هـ)، ابراهیم (۱۱۶۱ هـ) و شاه‌رخ (۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ هـ) از سلسله‌ی افشاریه و کریم‌خان زند (۱۱۷۳ - ۱۱۹۳ هـ)، ابوالفتح‌خان (۱۱۹۳ هـ)، علی‌مراد‌خان (۱۱۹۳ هـ)، محمدعلی‌خان (۱۱۹۳ هـ)، صادق‌خان (۱۱۹۳ - ۱۱۹۶ هـ)، علی‌مراد‌خان (۱۱۹۶ - ۱۱۹۹ هـ)، جعفر‌خان (۱۱۹۹ - ۱۲۰۲ هـ)، صید‌مراد‌خان (۱۲۰۲ - ۱۲۰۳ هـ) و لطفعلی‌خان (۱۲۰۳ - ۱۲۰۹ هـ) از سلسله‌ی زندیه و آقامحمدخان (۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ هـ) و فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ) از سلسله‌ی قاجار بوده و از دور و نزدیک، حوادث و بحران‌های اجتماعی - سیاسی این دوره را درک نموده است.

میرزای قمی زندگی علمی خویش را ابتدا نزد پدرش آغاز کرد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به خوانسار مسافرت نمود و از محضر استادانی چون سید حسین خوانساری (متوفی ۱۱۹۱ هـ.ق) فقه و اصول را فرا گرفت و در سال ۱۱۷۴ هـ.ق به عتبات رهسپار گردید و از دانش پرفیض آیت‌الله محمدباقر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۸ هـ.ق) بهره برد و پس از اقامتی طولانی به زادگاهش جایلق بازگشت و به ترویج مسائل دین مشغول گردید، سپس به علت مشکلات به وجود آمده، به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول مشغول شده و از آنجا نیز مجبور شد به شیراز هجرت کند؛ دو سال و اندی از اقامت او در شیراز با حکومت کریم‌خان زند همزمان گردید که او توانست در این مدت از کمک‌های مالی کریم‌خان زند بهره‌مند گردد (فیض: ۳۱۳). سپس به کمک یکی از علمای شیراز به اصفهان بازگشت و از آنجا به نزدیک زادگاه خود روستای «بابو» آمد و پس از مدتی بنا به درخواست مردم قم، حسادت ملاهای محلی و نبود طالب علم و

محصل، به قم هجرت نمود و تا آخر عمر در این شهر ماند (الامین: ۲ / ۴۱۲). و به دلیل همین اقامت طولانی در شهر قم به «میرزای قمی» یا «محقق قمی» و «فاضل قمی» معروف گردید.

ورود میرزا به قم

گرچه سال و چگونگی ورود میرزا به قم در منابع یا در نوشته‌های خصوصی خود او نیز ذکر نشده است، اگر مدت اقامت او را در قم ۴۰ سال بدانیم (مدرس: ۶ / ۷۱) و در سال ۱۲۳۱ هـ / ۱۸۱۶ م نیز رحلت نموده باید میرزا در سال ۱۱۹۲ - ۱۱۹۱ هـ در اوج درگیری‌های آقا محمدخان با لطفعلی‌خان زند به قم آمده باشد. میرزای قمی در قم علاوه بر ریاست و مرجعیت شیعه، به تصنیف، تدریس، تبلیغ و ترویج دین پرداخت و مسجد جامع شهر را برای اقامه‌ی نماز جمعه و جماعت برگزید. او حوزه‌ی علمیه‌ی قم را رونق بخشید و عاقبت در سال ۱۲۳۱ هـ رحلت نمود و در شیخان قم به خاک سپرده شد.

میرزای قمی در اکثر علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، علم معانی و بیان، استاد بود و تألیفات و تصنیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته که اکثر این آثار را در دوران سکونتش در قم تألیف نموده است که مشهورترین آن قوانین الاصول می‌باشد که به خاطر شهرت این اثر او به صاحب القوانين مشهور است؛^۱ اما آغاز فعالیت علمی و تألیفی وی به دوران جوانی و همان ایامی که در خوانسار مشغول تحصیل بود مربوط می‌شود که منظومه‌ای در علم بیان در سال ۱۱۷۳ هـ ق در ۲۲ سالگی تصنیف کرد.

۱ - دیگر تألیفات میرزای قمی عبارتند از: حاشیه بر زبده‌ی الاصول شیخ بهائی، مرشد العوام (فقه فارسی)، رساله استدلالی فارسی در اصول دین، حاشیه بر تهذیب الاصول علامه حلی، منابع الاحکام (فقه به زبان عربی)، معین الخواص (مختصر فقهی است)، منظومه‌ای در علم بدیع که دارای ۱۳۹ بیت است، رساله‌هایی در وقف، طلاق و مباحث منطقی، دیوان شعر به فارسی و عربی که نزدیک ۵۰۰۰ بیت شعر را داراست.

جنگ ایران و روس و فتاوی جهاد علما

یکی از مهم‌ترین حوادث دوره قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه مردم و دولت مردان قاجار گذاشت جنگ‌های ایران و روس می‌باشد که در پی این حادثه سرزمین‌های زرخیزی از ایران جدا شد و شرایطی ظالمانه بر ایران تحمیل شد که موجب شد سیطره‌ی بیگانگان بر ایران هموار گردد.

با قدرت‌یابی آقا محمدخان در ایران، هراکلیوس (آراکلی) با بروز ناامنی در ایران که پس از مرگ نادر و کریم‌خان روی داده بود، برای این‌که از حمایت یک دولت مقتدر بهره‌مند شود خود را تحت حمایت دولت روسیه در آورد و با انعقاد قراردادی با کاترین دوم در سال ۱۷۸۳م ۱۱۹۷هـ عملاً از تابعیت ایران بیرون آمد و پس از آن گودوویچ دو گردان روسی در گرجستان مستقر کرد و هراکلیوس در معیت سربازان روسی تا حوالی گنجه را تصرف نمود.

آقا محمدخان با شنیدن تابعیت هراکلیوس به او پیشنهاد کرد که ایروان، قراباغ، شکی و آذربایجان را ضمیمه‌ی حکومت خود کند و در عوض تابعیت روس را ترک و خراجگزار ایران شود، ولی پیشنهاد او رد شد. (ملکم: ۱۵۲/۲) آقامحمدخان با مشاهده‌ی چنین وضعی متوجه قفقاز شد و چندین بار پیشنهاد خود را مطرح کرد، ولی هراکلیوس تابعیت روس را ترجیح داد. شاه قاجار ایروان و شوشی را مجبور به تسلیم نمود. هراکلیوس به تفلیس عقب‌نشینی کرد و آقامحمدخان به سوی تفلیس پیش راند و شهر را بدون مقاومت تصرف کرد و مدت ۹ روز در آنجا دست به قتل و کشتار زد و این امر تأثیر بسیار منفی در روحیه مردم گذاشت.

روس‌ها هنگام لشکرکشی آقامحمدخان سپاه خود را عقب کشاندند و فقط به ابراز تأسف اکتفا کردند و با آمدن آقامحمدخان به تهران جهت تاجگذاری کاترین دوم به ایران لشکر کشید و تا مغان پیش رفت. شاه قاجار با شنیدن این خبر آماده‌ی لشکرکشی شد، که در همین زمان کاترین مرد و پسرش پل دستور

عقب‌نشینی سپاه را داد و حتی گرجستان را تخلیه نمود. (هدایت: ۳۸۸/۹) با این وجود، خان قاجار به طرف قفقاز حرکت نمود و پس از تصرف شوشی در همان‌جا توسط سه تن از مستخدمینش به قتل رسید (مفتون دنبلی: ۲۵) و اردوی شاهی پراکنده گشت.

در آغاز پادشاهی فتحعلی‌شاه، پل اول، بر خلاف مادرش، با ایران سیاست صلح و دوستی در پیش گرفت، در همین زمان هراکلیوس درگذشت (۱۲۱۳هـ ۱۷۹۸م) و پسرش موسوم به گیورگی یا ژرژ دوازدهم یا گرگین‌خان جانشین او شد، او سعی در رفع اختلاف با ایران را داشت و به همین منظور به فتحعلی‌شاه نامه‌ای نوشت و خود را از چاکران دولت علیه ایران شمرد (هدایت: ۳۲۸/۹)، ولی فتحعلی‌شاه به او دستور داد که پسر ارشد خود را به‌عنوان گروگان به تهران بفرستد، گرگین زیر بار نرفت و به روسیه متمایل شد و دولت روسیه هم قول همکاری داد. چون گرگین‌خان فردی ولخرج بود از دولت روسیه وام گزافی گرفت که در صورت عدم پرداخت به موقع، تفلیس به روسیه واگذار شود (نوایی: ۳۱/۲) و نیز در همین زمان روسیه ده هزار سرباز در گرجستان مستقر کرد که این امر با مخالفت دیگر فرزندان هراکلیوس مواجه شد و الکساندر از فرزندان هراکلیوس به ایران متواری شد، و از شاه ایران درخواست کمک کرد. فتحعلی‌شاه به علت گرفتاری‌های داخلی به او توجهی نکرد و الکساندر به شمال ارس رفت و با جمع کردن طرفدارانی از بین عشایر با روس‌ها به نبرد پرداخت، ولی توسط ژنرال‌های روسی سرکوب شد و به ایران متواری گردید. (همان: ۳۲) پس از مدتی فرماندهی روسی خواهان استرداد او و دیگر اسرایی شد که آقا محمدخان آورده بود، ولی این درخواست با بی‌اعتنایی فتحعلی‌شاه روبه‌رو شد، ولی در این زمان پل اول به شاه ایران پیشنهاد کرد از هرگونه ادعایی نسبت به گرجستان چشم‌پوشد که این پیشنهاد رد شد. با درگذشت ژرژ دوازدهم (۱۸۰۰م / ۱۲۱۵هـ.ق) پسرش داود (داوید) به‌جای او مدعی سلطنت شد و پس از

۲۱ روز پل اول با صدور فرمانی الحاق گرجستان را به روسیه اعلام نمود (بینا: ۱/۹۰) و بدین ترتیب جنگ‌های طولانی ایران و روس آغاز شد.

دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روس

با مرگ پل اول و قدرت‌یابی پسرش الکساندر، بر الحاق گرجستان مجدداً تأکید شد (نفیسی: ۱ / ص ۲۴) و از طرف روسیه، تسی تسیانف^۱ به حکومت گرجستان منصوب شد، او به بهانه‌ی این‌که گنجه در زمان هراکلیوس، مالیات خود را به گرجستان می‌پرداخت، گنجه را مورد تهاجم قرار داد (۱۸۰۳م / ۱۲۱۸هـ) (بینا: ۱ / ۹۲) و پس از درگیری با مردم و قتل حاکم آنجا به نام جوادخان قاجار و پسرش مردم مسلمان را قتل عام کرده و حتی نام شهر را به الیزابت پل یا الیزابتا تغییر دادند.

با تصرف گنجه، میرزا شفیع مازندرانی نامه‌ای به فرمانده‌ی روس‌ها، مبنی بر تخلیه‌ی مناطق اشغالی نوشت که با بی‌توجهی فرمانده‌ی روس‌ها مواجه شد (سپهر: ۱ / ۷) و سپس فتحعلی‌شاه عباس میرزا را در رأس سپاهی به‌سوی آذربایجان فرستاد و خود نیز به این منطقه حرکت نمود و در سلطانیه فرود آمد. (مفتون دنبلی: ۹۶)

عباس میرزا در صفر ۱۲۱۹ هـ از تبریز به حوالی ایروان لشکر کشید و با سپاه روس درگیر شد و مدت سه روز در اچمیازین با روس‌ها نبردی دلاورانه نمود، ولی وقتی در قرخ بلاغ در حال استراحت بود مورد حمله روس‌ها قرار گرفت و ایروان توسط روس‌ها محاصره شد که این محاصره یک‌سال طول کشید.

عباس میرزا پس از جمع‌آوری سپاه، روس‌ها را تا حدی عقب راند و پس از مدتی شهر گنجه را تصرف نمود. مقارن این لشکرکشی ۱۲ فرزند کشتی روسی به

1 - Tisitsianoff

انزلی و رشت حمله کردند که با مقاومت مردم گیلان مواجه و پس از دادن هزار کشته به باکو عقب نشستند (همان : ۱۵۸-۱۶۰) و قلعه‌ی باکو را تصرف نمودند. از طرف دیگر، سیسانف به منظور اجتناب از طولانی شدن محاصره‌ی باکو با حسین‌علی‌خان حاکم ایروانی باکو به مذاکره پرداخت، ولی در جریان این مذاکره پسرعموی حسین‌علی‌خان ژنرال روسی را به قتل رساند و سر او را به تهران فرستاد. در همین زمان بود که میرزا محمد سبزواری از اخباریون معروف قاجار با ورد و دعا شاه را به طرف خود جلب کرده و قول قتل سیسانف را داده بود.

پس از قتل سیسانف فرماندهی سپاه به گودوویچ واگذار شد. او شهرهای باکو، دربند و شکی را تصرف کرد و در این زمان چون روس‌ها درگیر جبهه اروپا بودند، گودوویچ نماینده‌ای به نام استپانف را جهت ترک مخاصمه به تهران نزد فتح‌علی‌شاه فرستاد و چون شاه قاجار پشت‌گرم به کمک فرانسه بود شرط مذاکره را تخلیه‌ی تمامی نواحی اشغالی عنوان کرد که مورد پذیرش روس‌ها قرار نگرفت، ولی در این زمان بین روس و فرانسه قرارداد تیلسیت منعقد شد و روس‌ها نیروی بیشتری به جبهه‌ی قفقاز اعزام نمودند و در جبهه‌ی غرب (بوخارست) با عثمانی صلح کردند و با نیروی افزون‌تری دست به حمله‌ی عمومی زدند و در جبهه‌ی اصلاندوز عباس‌میرزا را سخت شکست دادند و تا نزدیکی رود ارس پیش آمدند و در این زمان سرگور اوزلی ایران را مجبور به پیمان صلح با روسیه کرد و در قریه‌ی گلستان قراباغ بین دو کشور معاهده‌ی صلح در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ هـ/ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م برقرار شد.

تلفات ایران در این دوره نزدیک ۱۵۰ هزار کشته و با احتساب تعداد افرادی که از کار افتادند به ۲۰۰ هزار نفر رسید و کشته‌های دشمن نیز در همین حدود بود (قوزانلو: ۱۳).

نقش علما در دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روس

با شروع جنگ‌های ایران و روس فتحعلی‌شاه و عباس میرزا ولیعهد به دنبال کسب مشروعیت و بسیج توده‌ی مردم از علما کمک خواستند و به دنبال اخذ فتاوی‌ی جهاد از آنان بودند و حتی عباس میرزا بیش از شاه علاقه‌مند به اخذ فتاوا از علما و تبدیل ماهیت جنگ با روس‌ها از نبردی نظامی به جنگی اعتقادی و میهنی بود و نیز می‌خواست علاوه بر کسب مشروعیت به تحکیم پایگاه دینی خود در نبرد با روس پردازد و در برابر رقبا از جمله برادرانش از پایگاه قوی برخوردار شود. علاوه بر آن، علما در آغاز عهد قاجار به‌ویژه در نزد فتحعلی‌شاه، جایگاه رفیعی داشتند. وقتی که فرانسویان طی قرارداد تیلسیت به ایران پشت کردند، ایران به انگلیس روی آورد؛ در این زمان، عده‌ای معتقد بودند ایران برای جلوگیری از تجاوزات روس نباید به انگلیس دل خوش کند، بلکه در این باب از علما باید کمک گرفت و جنگ ملی را تبدیل به جنگ مذهبی نمود و از آنها تقاضا شود علیه روس‌ها اعلام جهاد کنند و مردم را علیه روس‌ها بشورانند. (آبادیان: ۷۸) و این در حالی بود که سپاه ایران در موضع قدرت بوده و شاه از تهران به چمن اوجان حرکت کرده که در بهار ۱۸۰۹/۱۲۲۴م در آنجا مستقر گردیده بود.

میرزا بزرگ فراهانی (میرزا عیسی) پدر قائم مقام فراهانی برای به دست آوردن نظرات علما مبنی بر جهاد علیه روس‌ها با روحانیون بزرگ ارتباط برقرار نمود. او ابتدا حاج ملاباقر سلماسی و صدرالدین تبریزی را به عتبات فرستاد تا موضوع حملات روس‌ها به ایران را به اطلاع شیخ محمد جعفر نجفی و سید محمد اصفهانی برسانند. وقتی علمای نجف از حمله‌ی روس‌ها مطلع شدند نمایندگان به قم، کاشان، یزد، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها فرستادند و حکم جهاد دادند. ملا احمد نراقی، میرمحمدحسین سلطان‌العلماء، امام جمعه‌ی اصفهان، ملا علی‌اکبر اصفهانی، آقاسیدعلی طباطبایی، میرزا ابوالقاسم قمی و ... احکامی

مشابه صادر کردند. میرزای بزرگ این احکام را جمع‌آوری کرد و تحت عنوان رساله‌ی جهادیه منتشر نمود، این رساله‌ها در سراسر کشور پخش شد و شور عجیبی به راه انداخت. (آبادیان: ۹۸، مفتون دنبلی: ۱۵۴، سپهر: ۱۸۱/۱) صدور فتوای علما شش سال پس از شروع جنگ دوره‌ی اول ایران و روس در حالی صورت گرفت که دولت‌های انگلیس و فرانسه در ایران به دنبال منافع خود بودند و کشور ما را نردبان رسیدن به منافع خود قرار داده بودند، ولی گرچه این رساله‌ی جهادیه مدت‌ها پیش از امضای قرارداد گلستان تنظیم و تدوین یافت، ولی تأثیر چندانی در جنگ دوره‌ی اول ایران و روس نداشت.

علمایی که به صدور فتوا مبادرت کردند عبارت بودند از:

۱ - شیخ جعفرنجفی مشهور به کاشف‌الغطاء،

۲ - میرزا ابوالقاسم قمی مشهور به محقق قمی،

۳ - آقاسیدعلی طباطبایی مشهور به صاحب ریاض،

۴ - سیدمحمد بن سیدعلی طباطبایی مشهور به مجاهد،

۵ - شیخ محمدحسن قزوینی،

۶ - حاج میرمحمدحسین خاتون‌آبادی اصفهانی،

۷ - ملا علی‌اکبر اصفهانی،

۸ - آقاهاشم کعبی،

۹ - ملا محمدرضا همدانی،

۱۰ - آخوند ملا احمدنراقی.

نگاهی به فتاوی‌ی جهاد علما

یکی از وظایف فقها در عصر غیبت به عهده گرفتن امر جهاد در بعد دفاعی آن می‌باشد؛ وقتی دولت‌مردان قاجار در برخورد با روس‌ها خود را در مانده دیدند، ناگزیر شدند به علما متوسل شوند تا به کمک آنها مردم را به صحنه‌های

نبرد بکشانند. علما نیز با عنایت به بنیان‌های فقه امامیه به درخواست آنها جواب مثبت دادند و فتاوی جهادیه را صادر کردند.

دو تن از علمای مشهور آغاز دوره‌ی قاجار، میرزای قمی و کاشف‌الغطاء است که در قلمرو آرای سیاسی شیعه در عصر غیبت و هم در باب حیطه‌ی روابط با حکام و هم در زمینه‌ی توسعه‌ی ادبیات جهادی، اجتهادات نسبتاً روشنی ارائه کرده‌اند. میرزای قمی که از مجتهدان عصر بوده و در زمینه‌ی فقه، اصول، اخلاق و فلسفه آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته است و در جنگ ایران و روس در مقابل کفر برای حفظ بیضه‌ی اسلام، از شاه حمایت نمود.

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء از فقهای نام‌آور این عصر به علت تسلط در فقه، اصول و حدیث به شیخ اکبر و شیخ‌المجتهدین معروف است (مدرسی، ۲۴/۵) در کاشف‌الغطاء خود فتحعلی‌شاه را می‌ستاید و او را دارای شمشیری کشنده و نیزه‌ای فروزنده در دل کافران می‌داند (کاشف‌الغطاء: ۲-۳)، ولی حکومت او را یک حکومت اصیل اسلامی نمی‌داند و در باب جهاد علیه روس‌ها مسئولیت جهاد را متوجه شاه می‌کند و به فتحعلی‌شاه اجازه می‌دهد اجازه‌ی رهبری جهاد با اهل کفر و طغیان را در دست بگیرد و سپس بر مسلمین واجب می‌داند که بر فرمان شاه در امر جهاد سر نهند و سرپیچی از او را سرپیچی از خدا و سزاوار خشم او می‌داند (همان: ۳۹۴) و برای این‌که شاه از این حمایت و تأییدها سوء استفاده را نکند مسئله‌ی عدم مشروعیت بالذات حکومت فتحعلی‌شاه را به روشنی مورد تأکید قرار می‌دهد (همان) و وجوب اطاعت از سلطان را به حکم مقدمه واجب، نظیر تهیه‌ی سلاح و نیروی جنگی برای دفاع اسلام می‌داند و گرنه اطاعت سلطان بدون وجود آن اغراض واجب نیست. (همان)

ملا احمدنراقی از جمله رهبران مذهبی بود که علیه روس‌ها فتاوی جهاد داد و حتی در جنگ‌های دوم با کفن شرکت کرد (حائری: ۳۳۳)، در دادن مشروعیت به شاهان قاجار تلاش نمود (همان: ۳۳۵) و همراه تعدادی از علما

برای تشویق مردم به جنگ و جهاد، به مناطق مختلف آذربایجان رفته و برای مردم به ایراد خطابه و سخن پرداختند و پس از او، سید جعفر کشفی راه او را ادامه داد و به نحوی حکومت پادشاهان را مشروعیت بخشید. (همان : ۳۴۹)

دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روس

دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روسیه به علت مشخص نبودن مرزها در عهدنامه‌ی گلستان که عمداً از طرف روس‌ها بدان اشاره نشده بود، توسعه‌طلبی‌های تزار روسیه، نیکلای اول که به تزار آهنین مشهور بود، بر آورده شدن عقده‌ی حقارت شاه از شکست‌های دوره‌ی اول و از دست رفتن منافع هیئت حاکمه، اعتراضات برخی از مجتهدان که تاب تحمل پیروزی و سیطره‌ی یک کشور کافر را بر ایرانیان نداشتند (پیتر آوری، ۱/ ۹۷) و رفتار غیرانسانی روس‌ها در مناطق اشغالی که موجب متواری شدن عده‌ای از اهالی قفقاز و عشایر و مردم آذربایجان و حتی اهالی مسیحی قفقاز به ایران شده بود و از ایران خواستند که قلمرو اشغالی را مسترد نمایند و در این راه کمک بی‌دریغ به ایران خواهند کرد. (نصر: ۲۰۰)

نقش علما در دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روس

در فاصله دو جنگ ایران و روس یکی از روحانیون محلی به نام قاضی ملا محمد با شعار وحدت شیعه و سنی از درون مرزهای اشغالی علیه روس‌ها قیام کرد و مدت ۱۲ سال (از ۱۲۳۶ تا ۱۲۴۸) قیام او ادامه یافت و سرانجام در این راه کشته شد. (آبادیان : ۱۱۰) روس‌ها پس از تسلط بر نواحی متصرفه در عهدنامه‌ی گلستان به آزار و اذیت مردم نواحی پرداخته و محصولات کشاورزان را مصادره می‌کردند و مردم را در فقر و تنگدستی نگه می‌داشتند و به شعائر دین اهانت می‌ورزیدند.

مردم ایالات قره‌باغ، شروان و گنجه پیکمی به عتبات فرستادند و در نزد سید محمد اصفهانی معروف به مجاهد و دیگر علما از تعدیات روس‌ها در حق مسلمانان شکوه کردند، سید محمد مجاهد ابتدا دولت ایران را در جریان امر گذاشت، وقتی علمای نجف دولت ایران را موافق با بازپس‌گیری نواحی اشغالی دیدند تعدادی را برای جهاد با روسیه به سوی ایران فرستادند که با استقبال بی‌نظیر مردم مواجه شدند و در شوال ۱۲۴۱ هـ در تهران جمع شدند و در ذی القعدة در چمن سلطانیه اجتماع کردند (سپهر، ۱/۳۵۷) - در این زمان بود که پرنس منچیکف به تهران آمده بود - از افرادی که در چمن سلطانیه حضور داشتند سید محمد مجاهد، ملا احمد نراقی، ملا عبدالوهاب قزوینی، ملا محمد نراقی و دیگر علما بودند (همان: ۳۶۵) که نراقی و همراهانش، کفن‌پوشان در سلطانیه حضور داشتند. (مهدوی، ۱: ۹۰-۹۱)

وقتی علما در اردوگاه سلطانیه گرد آمدند بار دیگر با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که جهاد با روس‌ها بر شاه و همه‌ی مسلمانان واجب است. (هدایت، ۹: ۶۴۲) پس از صدور بیانیه همه‌ی درباریان و مردم از آن استقبال کردند، البته افرادی از درباریان از جمله معتمد الدوله معروف به نشاط که منشی بود و میرزا ابوالحسن خان شیرازی، وزیر امور خارجه مخالف جهاد بودند. (نراقی: ۱۷)

وقتی که ایران در جنگ شکست خورد عده‌ای تقصیر را به گردن علما از جمله سید محمد مجاهد افکندند و قصدکشتن او را کردند که شاه مانع قتل وی شد و با اتفاق او به سه فرسنگی مراغه رفتند، بعد از این ماجرا سید محمد در رجب ۱۲۴۲ هنگامی که از آذربایجان به قزوین رسیده بود در اثر شدت اندوه درگذشت. (آبادیان: ۱۲۵)

نظرات فقهی میرزا در باب جهاد

واژه‌ی جهاد از ریشه‌ی «جهد» به معنای سعی و تلاش همراه با تحمل

مشقت و سختی برای نیل به هدف معین است. (راغب: حرف ج) چون مجاهد برای رسیدن به هدف آنچه را که در توان دارد مبذول می‌دارد و در اصطلاح فقها عبارت است از نهایت تلاش با بذل مال و جان در راه مبارزه با دشمن حق و متجاوزین در راه اعتلای کلمه‌ی الله بر وجه مخصوص (لمعه الدمشقیه، ج ۲: ۳۷۹) و از بین بردن آیین شرک و بت پرستی.

جهاد از دیدگاه الهی دارای اهمیت و جایگاه والایی است و در قرآن کریم آیات فراوانی در اهمیت جهاد وجود دارد (بقره: ۲۵۱، توبه: ۴۱، ۳۹، ۳۸، ۲۴) و در این آیات علایق و وابستگی‌های انسان در مقابل علاقه به خدا و پیامبر و نبرد در راه او قرار داده است و لذا کسی که از محبت خدا و رسولش و جهاد در راه او دست بردارد در گروه فاسقان خواهد بود. از دیدگاه معصومین جهاد دری از درهای بهشت است (نهج البلاغه، خ ۲۷) و کمترین مزد مبارزان در راه خدا بهشت می‌باشد و خداوند جهاد را مایه‌ی عزت اسلام قرار داده است (خطبه‌ی حضرت زهرا^(س)). جهاد فواید فراوانی برای انسان و جامعه دارد، از آن جمله رخوت و خمودی را به تحرک و شجاعت تبدیل کرده و جوهره‌ی انسان را تقویت می‌نماید و روح انسان را در برابر مشکلات آبدیده می‌نماید و زمینه‌ی ظهور و بروز عنصر مقاومت و رشادت را فراهم آورده و سد مسیر تکامل جامعه را با دفع دشمن از بین می‌برد.

دفاع نیز لازمه‌ی طبیعی حیات هر موجودی است، به طوری که جهاد و دفاع مستمر در زندگی گیاهان، حیوانات و انسان‌ها به انحاء و درجات مختلف وجود دارد، ولی ارزش و اهمیت آن در زندگی انسان علاوه بر غریزی بودن در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حیات وی جاری است.

اقسام جهاد

فقها با استناد به آیات قرآن و احادیث، جهاد را دو قسم می‌دانند: ابتدایی و

دفاعی. مقصودشان از «جهاد ابتدایی» آن است که مسلمانان به منظور دعوت کفار و مشرکان به اسلام، و دعوت بغات به فرمانبرداری از حاکم اسلامی جهاد کنند. البته وجوب چنین جهادی مشروط به شرایطی هم چون بلوغ، توانایی جسمی و مالی، مرد بودن، اذن امام عادل و ... است.

کفار و مشرکان نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند که جهاد با هر کدام احکام خاصی دارد:

۱ - اهل کتاب مثل یهود و نصاری و آنان که ملحق به اهل کتابند مانند زرتشتی‌ها، مسلمانان موظف به جهاد با آنها هستند تا به اسلام دعوت شوند، اگر اسلام را نپذیرفتند موظف به پرداخت جزیه‌اند و اگر پرداخت جزیه را هم قبول نکردند، جهاد با آنان ادامه می‌یابد تا به قتل برسند یا به اسارت درآیند؛

۲ - کفار و مشرکان دیگر مانند بت پرستان و ستاره پرستان و... که جهاد با آنان بر مسلمانان واجب است تا اسلام آورند یا کشته شوند.

و مقصودشان از «جهاد دفاعی» آن است که مسلمانان پس از هجوم دشمن، به دفاع از اسلام و مسلمین یا سرزمین‌های اسلامی برخیزند و اگر کشور اسلامی مورد تهاجم قرار می‌گیرد، مسلمانان باید در برابر دشمن از اسلام و از خودشان دفاع کنند. چنین جهادی مشروط به شرایط جهاد نوع اول نیست. نه مرد بودن شرط است و نه به اذن امام عادل نیاز دارد و نه شرایط دیگر. بین جهاد و دفاع تفاوت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- جهاد به منظور دعوت به اسلام و توسعه‌ی قلمرو دین است، ولی دفاع برای حفظ کیان اسلام و حفظ مال، جان و عرض در صورت حمله‌ی یک کشور صورت می‌گیرد.
- جهاد با حضور امام یا نایب خاص او با اذن اوست، ولی در دفاع حضور و اذن امام و حتی مجتهد لازم نیست.

- جهاد بر افراد بالغ، عاقل، سالم و مرد واجب است، ولی دفاع بر همه چه زن و چه مرد واجب است.

انواع جهاد از دیدگاه میرزای قمی

مبنای تقسیم‌بندی میرزای قمی در جهاد بر اساس مرگ یا شهادت می‌باشد، او از این دیدگاه جهاد را به دو دسته تقسیم می‌کند:

الف) جهادی که در آن جنگ و نبرد وجود ندارد و پای مرگ در میان نمی‌باشد و "همه‌ی آنها معانی مجازی است و اطلاق جنگ و جهاد بر آنها مجاز است" (قمی: ۱ / ۳۷۵) مانند مبارزه با نفس و خوب همسررداری کردن. او می‌نویسد: "اما اطلاق لفظ جهاد و استعمال آن در مطالب شرعیه اعم از این که به‌عنوان حقیقت باشد یا مجاز، پس آن بسیار است بعضی از آن باب است که پای موت در میان نیست اصلاً، مثل احیای سنت نبویه که مهجور شده باشد و مثل مجادله با نفس و حسن تبعل و خوش رفتاری زن با شوهر". (همان: ۳۷۴)

ب) جهادی که پای مرگ در میان است و خود بر دو نوع است: اول) مرگی که بر اثر جنگ و جدال نباشد "مثل این که فرموده‌اند که هر کس در غربت بمیرد شهید مرده است یا کسی که غرق شود یا خانه بر سر او خراب شود یا به آزار شکم بمیرد یا زنی که در نفاس بمیرد". (همان)

دوم) مرگی که بر اثر جنگ و جدال باشد و خود بر سه قسم است: جهاد ابتدایی: "جهادی است که پیغمبر یا امام^(ع) مردم را امر کنند که با کفار جنگ کنند و در زمان حضور و به اذن او یا اذن نایب خاص او که تعیین کرده باشد برای جهاد، خواه محض از برای دعوت به اسلام باشد یا از برای دفع کفار... خواه این جهاد با مشرکین باشد یا با اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس". (همان)

جهاد با بغاة و اهل بغی: "مراد از اهل بغی جماعتی هستند از مسلمین که بر

امام زمان خروج کنند مثل جنگ‌هایی که معاویه و طلحه و زبیر و اهل نهروان با امیرالمؤمنین^(ع) کردند. اذن امام در این شرط است". (همان: ۳۷۵)

۳ - جهاد دفاعی: گرچه میرزای قمی نامی از جهاد دفاعی نمی‌برد، ولی دفاع در برابر دشمن در عصر غیبت هنگام هجوم، همان جهاد دفاعی است او می‌نویسد:

"نوع دوم جهاد آن است که در زمان غیبت امام، کفار هجوم کنند بر اهل اسلام، و مقصود آنها یا تلف کردن اسلام باشد که می‌خواهند دین اسلام از میان برخیزد، یا این‌که بر سر جمعی از مسلمانان می‌روند به قصد قتل و نهب و غارت... و در این جهاد، حضور و اذن امام شرط نیست." (همان)

او دفاع از مال، جان و عرض را نوعی جهاد می‌داند و معتقد است "در دفاع چه هنگام حمله‌ی کفار به یک کشور و چه حمله‌ی دزد به خانه یا کاروانی، اذن امام و مجتهد جامع شرایط شرط نمی‌باشد، ولی باید احکام دفاع را یاد گرفت." (همان: ۳۷۶ و ۳۸۲)

دفاع و ضرورت آن از دیدگاه میرزای قمی

میرزای قمی دفاع را از ضروریات بشری می‌داند، عصر او که مصادف با حمله‌ی روسیه به ایران بود دفاع از کشور در برابر روس‌ها را واجب و لازم می‌شمرد و در پاسخ به سؤالی که دفع طایفه‌ی منحوس روسیه شرعاً واجب و لازم است یا نه؟ می‌فرماید:

"هرگاه منظور ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام یا اذیت به نفوس و اعراض مسلمانان و نهب و غارت اموال ایشان است، بلی واجب است لیکن الاقرب فالاقرب، و در هر طبقه از قرب هرگاه جمعیتی که هست به بعض آنها کفایت در دفاع حاصل شود، بر هر یک از طوایف آنها واجب کفایی است، هرگاه جماعتی که نزدیک به آنها هستند، کفایت نمی‌کنند، بر آنهایی که

نزدیک‌ترند به آنها واجب است امداد به‌عنوان وجوب کفایی، و اگر کفایت حاصل نشود الا به اجتماع جمیع بر همه واجب می‌شود که امداد کنند و متعین می‌شود." (همان: ۳۷۴)

میرزای قمی دفاع را به دو دسته دفاع عمومی و دفاع خصوصی تقسیم نموده و دفاع عمومی زمانی است که کفار [دشمن] به کشور اسلامی به قصد از میان بردن دین اسلام یا تغییر احکام آن و قتل و نهب و غارت حمله می‌کنند و دفاع در صورت نیاز بر همه اعم از زن و مرد واجب است و "وجوب مدافعه بر عبد و مرأة (بنده و زن) هرگاه به آنها به هم رسد." (همان: ۳۸۱) دفاع خصوصی دفاع از جان و عرض و مال در مقابل دزد و قطاع الطریق و غیره است که بر همه واجب است از مال و ناموس و جان خود دفاع کند.

قمی دفاع را بر حج واجب نیز مقدم داشته و می‌فرماید: "اگر در صورت خوف هجوم و غلبه‌ی مشرکین بر بلاد مسلمین و لزوم مدافعه و مجاهده با آنها، رفتن به حج و یا زیارت عتبات عالیات، در این جا در صورت تعیین وجوب دفاع بر مستطیع حج، دفاع را باید مقدم داشت بر حج." (همان: ۳۹۴)

امام خمینی همانند میرزای قمی می‌فرماید: "در مواقعی که اسلام یا بلاد مسلمین در معرض خطر هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد و دفاع از آن متوقف بر تأخیر زیارت بیت‌الله‌الحرام باشد جهاد بر زیارت بیت‌الله‌الحرام مقدم است." (استفتائات: ۱/ ۵۱۶)

نگاه امام خمینی به مسائل سیاسی و دیگر وقایع به‌وجود آمده مانند دیگر فقها برگرفته از نظرات فقهی ایشان است و چند مسأله در دیدگاه امام مورد توجه است: اول آن‌که او در مبحث فقه سیاسی ورود به سیاست را برای همه به‌ویژه برای علما یک وظیفه می‌داند. این نظریه با اصل عدم انفکاک دین از سیاست مرتبط می‌باشد (رک: صحیفه‌ی نور، ج ۲۱: ۱۱۷ و وصیت‌نامه‌ی امام)؛ دوم این‌که جان مایه‌ی تفکر امام دیانت است و هدف اساسی او پیاده کردن احکام الله

در جوامع انسانی است؛ سوم آن که مشی عملی امام در کلیه‌ی صحنه‌های سیاسی - اجتماعی بر اصل انجام تکلیف استوار بوده و بارها فرموده: "همه‌ی ما مأمور به ادای تکلیف وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه". (پندها و حکمت‌های امام خمینی: ۵۰)

امام خمینی دفاع را یک مسأله‌ی عقلی و طبیعی دانسته و همانند میرزای قمی دفاع را واجب می‌داند و در ضرورت دفاع همگانی در برابر دشمن می‌فرماید:

"اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجوم به مملکت اسلامی بشود باید همه‌ی مردم زن و مرد حرکت کنند، مسأله‌ی دفاع این‌طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند" (صحیفه‌ی نور: ۱۱/۱۱۷) و "دفع دشمن متجاوز بر تمام مسلمین واجب کفایی است" (استفتائات: ۱/۴۹۲) و حضور امام و اذن او یا اذن نایب خاصش یا نایب عام آن حضرت شرط نیست، بلکه بر هر مکلفی با هر وسیله‌ای و بدون قید و شرط واجب است (تحریر الوسيله: ۱/۴۸۵) و در جای دیگر می‌نویسد: "دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مسلمین واجب است و مشروط به اجازه نیست." (استفتائات: ۱/۴۹۲)

کشته‌شدگان نبرد

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در هنگام دفاع و تجاوز دشمن پیش می‌آید درباره‌ی کشته‌شدگان نبرد و مقتولین جنگ می‌باشد. میرزای قمی در پاسخ به وضعیت مقتولین جنگ ایران و روس می‌نویسد:

"مسلمین مقتول در این دفاع که به قصد محافظت دین اسلام است در حکم شهیدند در ثواب و فضیلت و هرگاه در معرکه‌ی قتال کشته شوند، یعنی در میدان، جان بدهند اظهر این است که غسل و کفن کردن ساقط است، و به

همان جامه‌های خود نماز بر آنها می‌کنند و دفن می‌کنند." (همان: ۳۴۸)

میرزای قمی با ذکر احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) مانند حدیث: "فوق کل ذی برّ برّ حتی یقتل فی سبیل الله فلیس فوقه برّ" (حر عاملی، ۶/۱۰۶) بالاترین مرگ را شهادت در راه خدا می‌داند و فرقی بین حضور امام و عدم آن نیست و کشته‌شدگان در راه خدا افضل‌تر و جایگاه رفیع‌تری نسبت به شهدای زمان خود معصومین دارند؛ او می‌نویسد:

"قتال در زمان غیبت افضل باشد، چون حضور امام و ظهور معجز و تأثیر نفس شریف امام در مبادر به امثال، و حضور یقین به حقیقت مدخلیت تمام دارد در امثال و فرمانبرداری، که در زمان غیبت نیست، بلکه اجرای این عمل در زمان غیبت بیشتر خواهد بود... پس کسی که جان خود را در زمان غیبت امام (ع) در راه خدا بدهد، افضل خواهد بود از آن که مثل امیرالمؤمنین اسدالله الغالب (ع) با ذوالفقار دو سر و زبان معجز بیان و عسکر بی حد و پایان در بالای سر او باشد..." (قمی: ۱/۳۸۴)

امام نیز غسل و کفن را از شهید در معرکه‌ی جنگ ساقط می‌داند، اگر در غیرجبهه به شهادت برسد غسل و کفن دارد (در جستجوی راه از کلام امام جنگ و جهاد بخش فتاوا) و میرزای قمی نیز معتقد است اگر در معرکه فردی مجروح شود و بعد بمیرد غسل و کفن از او ساقط نمی‌شود و اگر غسل و کفن میسر نباشد و تأخیر در غسل و کفن موجب بی‌احترامی به میت یا منشأ تضييع میت شود، او را باید تیمم داد. (همان: ۳۹۱)

فرار از میدان نبرد

فرار از میدان جنگ که موجب تضعیف روحیه‌ی جنگ‌جویان و زمینه‌ی تسلط دشمن می‌گردد از گناهان بزرگ محسوب شده و توبه‌ی آن فقط بازگشت به میدان کارزار و تصمیم به ادامه‌ی پیکار با دشمن است. (الظالمی: ۵۹)

برخی از فقها حکم به تحریم فرار از میدان نبرد و از جایی به جای دیگر رفتن را داده‌اند و به حدیثی از امام رضا^(ع) که فرمود: زحف حرام است، استناد می‌جویند. (شهابی: ۱/ ۲۰۶) زحف در لغت به جنگ رودرو گویند. در قرآن کریم آیه‌ی ۴ سوره‌ی صف بدان اشاره شده و فرار از آن را حرام شمرده است. (الظالمی: ۵۸-۵۹)

از میرزای قمی سؤال می‌شود: «آیا فرار از مقاتله و مجادله حکم فرار از زحف دارد؟» ایشان می‌فرماید: «حکم فرار از زحف در این جا ثابت نیست، و آن در جهاد حقیقی است که به اذن امام باشد.» (همان: ۳۹۴)

قمی در جای دیگر نرفتن به جنگ را از اعظم منکرات دانسته، امر به معروف کردن بر چنین افرادی جایز بلکه واجب است. (همان: ۳۸۴)

امام خمینی فرار از جبهه را در هیچ حالی جایز نمی‌داند. (استفتائات)

همکاری با دشمن

همکاری با دشمن حربی چه از نظر عقلی و چه از نظر فقهی مذموم دانسته شده و اگر مسلمانی در جبهه‌ی کفر در برابر برادران دینی خود قرار گیرد همانند دشمن با او برخورد می‌شود و تنها یک تفاوت می‌باشد این که «اسر مسلم و نهب اموال به هیچ وجه جایز نیست، اما قتل آنها، پس آن چه موقوف علیه دفاع از مسلمین و اسلام است جایز است» (قمی: ۱/ ۳۹۵) البته در محارب بودن آنها میرزا دو نظر دارد. او ابتدا می‌نویسد که حقیر در جواز حدود در زمان غیبت توقف و تأمل دارم، ولی او افرادی را که با اختیار در صف کفار به قتال مسلمین مشغولند محارب دانسته است (همان) که بر کشندگان آنها دیه و کفاره لازم نیست. (همان: ۳۹۸)

امام خمینی افرادی را که با دشمن همکاری می‌کنند حکم مهاجم را به آنها داده و قتل آنها مانند قتل دیگر مهاجمین است (توضیح المسائل (جنگ): ۱۰) و

حتی در پاسخ به سؤالی که آیا به قتل رساندن سربازانی که مسلمانند اما بالاجبار یا به صورت‌های دیگر به کشورهای اسلامی و مسلمین حمله کرده‌اند جایز است؟ می‌فرماید: «اگر حمله نمودند دفاع لازم است.» (همان)

سپر قرار دادن مردم در جنگ

یکی از تاکتیک‌های دشمن در هنگام نبرد جهت تسلیم کردن نیروهای مقاومت استفاده از سپر مردمی است تا در قبل آنها سنگرهای دفاعی را فتح کنند و به اهداف خود برسند، میرزای قمی در مورد سپر قرار دادن مردم توسط دشمن در جنگ نظر خاصی ندارد. احتمالاً نظر او چون علمای متقدم می‌باشد که می‌گوید: «اگر یاغیان از کودکان و زنان و مانند آنها به عنوان ترس یا سپر استفاده کند و تنها راه دستیابی به آنان کشتن ترس یا از بین بردن سپر باشد باید به قتل رساند، زیرا جنگ و قتال با یاغیان بر حرمت قتل زنان و کودکان ترجیح دارد؛» شهید اول در لمعه نیز در این باره می‌نویسد: «در موردی که دشمن اسرای مسلمین و فرزندان آنان را سپر قرار دهد و دست‌یابی به دشمن جز با قتل مسلمین ممکن نباشد قصاص و دیه‌ای در این مورد نیست، چون شرع اجازه‌ی قتل آنان را داده است.» (لمعه باب جهاد)

امام در پاسخ به این سؤال که آیا نیروهای دشمن عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان، کودکان و پیرمردان را سپر قرار می‌دهند برای نبرد با دشمن آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟ می‌فرماید: «اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر آن باشد جایز است.» (توضیح المسائل جنگ: ۱۱) در جای دیگر می‌فرماید: «فرض کنید که عراق فاسد یک دسته‌ای از مسلمین بی‌گناه را سپر قرار داده و پشت آنها ایستاده که بریزد ایران را بگیرد. بر ما واجب است که مسلمان و غیرمسلمانش را بکشیم. مسلمان‌ها شهید هستند و به بهشت می‌روند و کافرهاش کافرند و به جهنم.» (نوروزی: ۳۳۲)

آموزش نظامی و تهیهی ادوات جنگی

میرزای قمی در تفسیر آیهی «واعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» (انفال: ۶۰) آموزش نظامی را جایز و حتی واجب می‌داند و می‌نویسد: «اصل معرفت اسب تاختن و تیر انداختن جایز و مشروع و هم‌چنین گرو بستن در آنها حلال است و در صورت وجوب امر به آن از باب امر به معروف با شرایط آن واجب است.» (قمی: ۱/ ۳۹۳)

امام خمینی یادگیری فنون نظامی را بر همه واجب کفایی می‌داند و می‌فرماید: «اگر دفاع بر همه واجب شد مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله این قضیه که ترتیب نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنها که ممکن است.» (صحیفه‌ی نور: ۱۹/ ۲۸۰)

تهیه‌ی ادوات نظامی در مقابل دشمن از مقدمات جنگ بوده و در قرآن کریم در چندین جا بر به‌کارگیری سلاح تأکید دارد «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (حدید: ۲۵) «یا یحیی خذوا الكتاب بالقوّة» (مریم: ۱۲) «واعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» (انفال: ۶۰) و یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم اسلامی تهیه‌ی ادوات جنگی است و تهیه‌ی اسباب و اسلحه‌ی جنگ از مصالح مسلمین می‌باشد. (قمی: ۱/ ۳۸۳)

غنایم

یکی از مسائل جنگ مسأله‌ی غنایم و اسراست. میرزای قمی در مورد غنایم می‌فرماید «حکم آن این است که مال کسی است که می‌گیرد از آنها.» (همان: ۳۸۸) غنایم در صورتی مال امام زمان است که جنگ به اذن امام و برای دعوت کفار به اسلام باشد، ولی جنگ و قتال که بر سبیل دعوت امام نباشد، بلکه محض از برای دفاع باشد حکم آن است که مال کسی است که می‌گیرد از آنها (همان: ۳۸۸) از نظر قمی خمس بر غنایم تعلق نمی‌گیرد. (همان)

امام خمینی در پاسخ به سؤال تصرف و تملک در کدام یک از غنایم و با چه رایطی برای رزمندگان جایز است می‌فرماید: «در غیر ادوات جنگی برداشتن اشیای مختصر از قبیل لباس و ساعت و رادیو و امثال آن برای رزمندگان اشکال ندارد (توضیح المسائل جنگ : ۲۸) و خمس واجب نیست (همان: ۲۸) ولی نباید اموال شخصی اسرا را از آنها گرفت (همان : ۲۶) و نیز برای مقاتلین برداشتن چیزهای مختصر از قبیل انگشتر، لباس و کفش دشمن و تصرف در آن اشکال ندارد.» (استفتائات : ۱ / ۵۰۸)

هزینه‌های جنگ

میرزا در پاسخ به سؤال، مالیات و عوارضاتی که گرفته می‌شود و صرف دفاع از کفار می‌شود چه صورتی دارد؟ جایز است یا نه؟ می‌فرماید: «خراج اراضی خراجیه در مذهب ما موضوع است از برای مصالح عامه‌ی مسلمین و از اعظم آنها مجاهدین است و مدافعین از اسلام نوعی هستند از مجاهدین و به مصرف ایشان رسانیدن جایز است و آن موکول است به نظر امام عادل و پس از غیبت امام عادل، حاکم شرع یعنی مجتهد عادل، نایب امام است در تعیین مقدار و رسانیدن آن به مصرف و حقیر به قدر حصه‌ی خود راضی‌ام که به قدرت حاجت مجاهدین و مدافعین به ایشان داده شود از وجوه مالیات، یعنی خراج اراضی خراجیه.» (همان : ۸-۳۴۷)

مصرف زکات

هزینه‌ی جنگ موجب شد که مردم در مورد مصرف زکات مالیه و مال امام^(۴) از میرزای قمی سؤال کنند که با اجازه‌ی مجتهد جامع‌الشرایط می‌توان برای دفع دشمن از زکات و مال امام استفاده کرد. ایشان دادن زکات در این راه را نیاز به اذن مجتهد عادل نمی‌داند (همان: ۳۸۳)، اما در مورد سهم امام می‌فرماید: «...»

اما حصه‌ی امام^(ع) از خمس، پس اظهر در نظر حقیر، این است که باید به فقرای بنی‌هاشم داد از باب تتمه مؤنه و به این مصرف نمی‌توان رساند و آن هم به اذن مجتهد عادل با امکان." (همان)

میرزای قمی تأکید دارد مؤمنین اموالی را که در امور مستحبی مصرف می‌کنند بهتر است در جنگ هزینه گردد که ثواب آن بیش از سایر مستحبات است و نیز اموال وثوتی که در اختیار سلطان می‌باشد باید از آن در اختیار سپاه اسلام گذاشت. (همان: ۶ - ۳۸۵)

او دادن زکات را برای هزینه‌ی جنگ برای دفع دشمن جایز می‌داند و اذن مجتهد عادل ضروری نیست (همان ۸۶) و اما خمس را نمی‌توان در این راه مصرف کرد (همان: ۸۷) و حتی مصرف منافع اراضی خراجیه و درآمد امور عام المنفعه ضل رباط، پل، مسجد و غیره و ولایت و مباشرت و تصرف در آن به تقدیر و تدبیر امام عادل موکول است که بگیرد و به مصارف آنها برساند. (همان: ۸۸)

امام خمینی پرداخت زکات را برای مخارج جنگ و بازسازی مناطق جنگی بلامانع می‌داند (توضیح المسائل جنگ: ۴۴)، ولی سهمین شریفین (سهم امام و سادات) را منوط به اجازه‌ی مرجع تقلید می‌داند. (همان: ۴۷)

مرباطه

مرباطه در لغت به معنای سرحدداری، ملازمت، مواظبت کردن بر امری و ملازمت نمودن جای درآمدن دشمن می‌باشد (دهخدا) و در اصطلاح پاسداری از مرز را گویند تا در صورت هجوم دشمن از آن دفاع نموده و مردم را مطلع نماید، میرزای قمی در پاسخ به سؤال حکم مرباطه در مرزها و حداقل آن در ایام غیبت می‌گوید: "مرباطه در زمان غیبت مستحبی است، چون متضمن جهاد نیست که اذن امام در آن شرط باشد، بلکه مراد از آن این است که در ثغور یعنی سرحدی که راه کفار حرکتی کنند به سمتی از بلاد اسلام، مسلمانان را با خبر کنند که مهیبای

قتال آنها شوند." (همان: ۳۹۱) او ثواب مرابطه در یک شب را بهتر از روزه و نماز یک‌ماه و کشته‌شدگان این راه را شهید می‌داند و می‌افزاید افضل رباط در جایی است که خوف در آن بیشتر باشد و اهتمام در امر عدو آن‌جا بیشتر باشد و اقل رباط سه روز و اکثر آن چهار روز است و همین که از چهل روز گذشت، پس آن جهاد محسوب است و ثواب جهاد دارد. (همان: ۳۹۲)

بغاة و توطئه‌گران داخلی

بغاة واژه‌ی بغی، باغی و بغات که مترادف تدبیراً و تبدیلاً در زبان عربی و واژه‌ی subversion لاتین گرفته شده و در فارسی معنی براندازی می‌دهد و یاغی کسی است که بر امام معصوم خروج کند، و او در این صورت در حکم کافر است، چون با این عمل، اعلان حرب با خدا و رسول خدا نموده است. صاحب لمعه در این باره می‌نویسد: "هرگاه امام، مردم را به پیکار با چنین کسانی فرا خواند، جنگ با آنان واجب است، تا این‌که تسلیم شوند و به اطاعت امام گردن نهند یا کشته شوند؛ جنگ با چنین افرادی هم‌چون جنگ با کفار است." (لمعه باب جهاد، الظالمی: ۳۹).

این حکم در زمان امام معصوم و غیر امام معصوم و فقیه عادل نیز معتبر است. در صورتی که شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد: "کل من خرج علی امام عادل و نکث بیعت و خالفه فی احکامه، فهو باغ، و جاز للامام قتاله و مجاهدته، و یجب علی من یستنهضه الامام فی قتالهم النهوض معه." (النهایه: ۲۹۶، قاسمی و همکاران: ۲۱۰ / ۱) و میرزای قمی نیز تأکید دارد تنها به امر امام معصوم می‌توان با بغات جنگید، جهاد با بغاة و اهل بغی: "مراد از اهل بغی جماعتی هستند از مسلمین که بر امام زمان خروج کنند مثل جنگ‌هایی که معاویه و طلحه و زبیر و اهل نهروان با امیرالمؤمنین^(ع) کردند. اذن امام در این شرط است" (همان: ۳۷۵) از نظر میرزای قمی مراد از اولی الامر ائمه‌ی طاهرین می‌باشد، او در نامه‌ای به

فتحعلی شاه گوشزد می نماید منظور قرآن کریم از اولی الامر در آیهی *أطیعوا الله ورسوله واولی الامر منکم* (نساء/ ۵۹) ائمه طاهرین می باشد و اخبار و احادیثی که در تفسیر آیه وارد شده است به این مطلب، از حد بیرون است. (حائری: ۳۲۸)

علامه‌ی طباطبایی در تفسیر آیهی *أطیعوا الله ورسوله واولی الامر منکم* (نساء/ ۵۹) می فرماید: «اطاعت از اولی الامر واجب است، اگرچه آنان معصوم نباشند و فسق و خطا بر آنان جایز باشد. اما اگر از احکام الهی سرپیچی کردند اطاعت از آنان لازم نیست.» (المیزان تفسیر آیهی مذکور). پس از نظر او ولی امر همان دولت اسلامی است، گرچه معصوم نباشد، ولی اگر فسق شد و عدالت نداشت اطاعت از آنان نخواهد بود. پیکار با بغا و سرکشان در عصر غیبت می تواند از دفاع از حریم اسلام و دولت اسلامی باشد و دفاع از کیان اسلام بر همه واجب است.

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین حوادث دوره‌ی قاجار که تأثیر عمیقی در روحیه مردم و دولت مردان قاجار گذاشت جنگ های ایران و روس می باشد که در پی این حادثه سرزمین های زرخیزی از ایران جدا شد و شرایطی ظالمانه‌ی بر ایران تحمیل شد که موجب شد سیطره‌ی بیگانگان بر ایران هموار گردد و ایران را به عنوان کشوری نیمه مستعمره درآورد. از این رو، فتحعلی شاه و ولیعهدش عباس میرزا برای مقابله با روس ها به فکر اعلان جهاد علما افتادند و علمای عصر از جمله میرزای قمی فتوای جهاد علیه روس ها را صادر کردند که این امر در بسیج مردن و پیروزی ها اولیه‌ی نقش چشم گیری داشت.

میرزای قمی معروف به «محقق قمی» یا «فاضل قمی» و یا «صاحب القوانین» با تألیف رسائل جهادی که بعدها این رسائل را در کتاب جامع الشتات گردآوری کرد در پاسخ به سؤالات مردم و شرکت آنان در نبرد با روس نقش اساسی

داشت. او دفاع از مال، جان و عرض را نوعی جهاد می‌داند و معتقد بود در دفاع چه هنگام حمله‌ی کفار به یک کشور و چه حمله‌ی دزد به خانه یا کاروانی، اذن امام و مجتهد جامع‌الشرایط شرط نمی‌باشد، ولی باید احکام دفاع را یاد گرفت و حتی دفاع را بر حج واجب نیز مقدم داشته است و مقتولین جنگ ایران و روس را که به قصد محافظت دین اسلام می‌جنگند، در حکم شهید دانسته و در ثواب و فضیلت از شهدای عصر حضرت علی^(ع) بالاترند. او نرفتن به جنگ را از اعظم منکرات دانسته و همکاری با دشمن را جایز نمی‌داند و طبق آیه‌ی «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» (انفال : ۶۰) آموزش نظامی را جایز و نیز واجب می‌داند و برای هزینه‌ی جنگ، دادن زکات را لازم و نیاز به اجازه‌ی مجتهد عادل نمی‌داند، ولی مصرف خمس را فقط برای فقرای بنی‌هاشم لازم می‌داند. او رابطه و پاسداری از مرزها در زمان غیبت را امری با ارزش دانسته و چون متضمن جهاد نیست، اذن امام در آن شرط نمی‌باشد.

میرزای قمی در مورد غنایم معتقد است غنایم از آن غنیمت‌گیرنده است و نیاز به دادن خمس آن نمی‌باشد و در جنگ با بغاۃ تأکید دارد تنها به امر امام معصوم می‌توان با بغات جنگید.

امام خمینی که در عهد مرجعیت و رهبری شاهد هجوم نابرابر دشمن به کشور اسلامی مواجه شد فتاوای جهادی خود را در رابطه با مسائل مختلف جنگ ارائه نمود که بسیاری از معضلات جنگ را با این فتاوا حل نمود، این فتاوا در بسیاری جهات با نظرات فقهی میرزای قمی شباهت دارد. هر دو حفظ کیان اسلام را اصلی ثابت و مهم دانسته که بر برخی از فروع دین ارجحیت دارد.

منابع

- ۱ - آبادیان، حسین، "روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس"، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰.
- ۲ - آوری، پیتر، "تاریخ معاصر ایران"، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران، عطائی، ۱۳۶۹.
- ۳ - الامین، السید محسن، "اعیان الشیعه"، بیروت، دارو التعاریف للمطبوعات، بی تا، المجلد الثاني.
- ۴ - الظالمی، محمد صالح، "فقه سیاسی در اسلام"، ترجمه رضا رجب زاده، تهران، پیام آزادی، ۱۳۵۹.
- ۵ - بینا، علی اکبر، "تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران"، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۶ - تنکابنی، میرزا محمد، "قصص العلماء"، تهران، علمیه، بی تا.
- ۷ - حائری، عبدالهادی، "نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران"، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷.
- ۸ - حر عاملی، "وسائل الشیعه"، ج ۶.
- ۹ - خمینی، روح الله، "در جست‌وجوی راه از کلام امام (جنگ و جهاد)"، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۰ - خمینی، روح الله، "کشف الاسرار"، بی تا، بی جا.
- ۱۱ - خمینی، روح الله، "صحیفه‌ی نور"، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱-۱۳۶۱، ج ۱ تا ۲۲.
- ۱۲ - خمینی، روح الله، "تحریر الوسیله"، ترجمه علی اسلامی، قم، اسلامی، ۱۳۶۹-۱۳۶۱، ج ۴-۱.
- ۱۳ - خمینی، روح الله، "توضیح المسائل (مسائل مربوط به جنگ)"، تهران، فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۱۴ - خمینی، روح الله، "استفتائات"، قم، اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۱۵ - خمینی، روح الله، "پندها و حکمت‌ها"، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۱۶ - دهخدا، علی اکبر، "لغت نامه"، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۷ - راغب، مفردات، حرف ج. ۱۸۲ - رجبی، محمد حسین. "رویا پورامید"، فاطمه، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، تهران نی، ۱۳۸۴.

- ۱۹ - سپهر، محمد تقی، "تاسخ التواریخ قاجار"، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲.
- ۲۰ - شهابی، محمود، "ادوار فقه"، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۲۱ - قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی، "احکام جهاد و اسباب الرشاد"، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، بقیعه، ۱۳۸۰.
- ۲۲ - قاسمی، محمدعلی و همکاران، "فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت"، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- ۲۳ - قمی، میرزا ابوالقاسم، "جامع الشتات"، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۲۴ - قوزانلو، جمیل، "جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس"، چاپخانه مرکزی، تهران، بی تا.
- ۲۵ - کاشف الغطاء، شیخ جعفر، "کشف الغطاء عن خفیات مبهمات شریعه الغراء"، بی جا، ۱۳۱۷.
- ۲۶ - فیض، عباس، "گنجینه آثار قم"، قم، مهر، ۱۳۴۹، ج ۱.
- ۲۷ - مفتون دنلی، عبدالرزاق، "مآثر السلطانیه"، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.
- ۲۸ - مدرس، میرزا محمد علی، "ریحانه‌ی الادب"، تهران، خیام، ۱۳۷۴.
- ۲۹ - ملکم، سرجان، "تاریخ ایران"، ترجمه میرزا حیرت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۳۰ - مهاجری، مسیح: "دفاع از ملت در اندیشه امام خمینی «سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی»"، تهران، دفاع، ۱۳۷۸.
- ۳۱ - مهدوی، مصلح الدین، "بیان المفآخر"، اصفهان، کتابخانه مسجد سید، ۱۳۶۷.
- ۳۲ - منصوری لاریجانی، اسماعیل، "سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی"، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۷.
- ۳۳ - نصر، تقی، "ایران در بر خورد با استعمارگران"، تهران، مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۴.
- ۳۴ - نوائی، عبدالحسین، "ایران و جهان از قاجار تا پایان عهد ناصری"، تهران، هما، ۱۳۶۹.
- ۳۵ - هدایت، رضا قلی میرزا، "روضه‌ی الصفا‌ی ناصری"، تهران، خیام، ۱۳۳۹.

